



اصلاح طلبی سرگیجه یا بازی برنامه ریزی شده؟

حسین کرمانی

است. اما بهانه‌ی نوشتن این مقاله پرداختن به گروه‌های اصلاح طلب، موجودیت و کارکرد آنهاست. چرا که اغلب این گروه‌ها در حال حاضر

سعی می‌کند با استفاده از روش‌های گوناگون به موفقیت دست یابد. البته که در این مقاله بحث ما این نیست زیرا این مساله امری طبیعی و معمول

اصولا هرگاه که به انتخابات- خواه ریاست جمهوری، خواه مجلس- نزدیک می‌شویم، بازار احزاب و گروه‌ها گرم می‌شود و هر طیف و جناحی



وکالت مردم



عیسی علی پناه

کسانی می‌بایست در این صحنه حضور یابند که آداب و رسوم شرعی را به صورت مناسب پاس داشته باشند. اما کمتر کسی است که به واقعیات مجلس و وظایف مندرج با وظایف نمایندگی، که در قانون اساسی آمده است توجه داشته باشد. مجلسی که به فرموده‌ی امام (ره) می‌بایست در راس امور باشد حتما متفاوت از مجلسی تابع، تسلیم و بی‌اطلاع است. نمایندگان مجلس تا چه حد با وظایف نمایندگی در رابطه با ارتباطات بین‌المللی کشور آشنا هستند این موضوعی است که می‌بایست نسبت به آن هوشیار بود.

قوانین جاری کشور را تا چه حد می‌شناسند چرا که مجلس علاوه بر قوانین و مقررات بین‌المللی در رابطه با قوانین و مقررات داخلی نیز به شکل وسیع و گسترده موثر و تصمیم‌گیر است. سوال این است که اصولا کسانی که وارد مجلس شورای اسلامی می‌شوند تا چه اندازه با جهان امروز و با آداب و رسوم و فرهنگ سایر ملل آشنایی دارند، باید پرسید کسی که خود را آماده می‌سازد تا ردای

نمایندگی بنشانند، چه بهتر، و اگر نشد خود را به عنوان چهره‌ای شاخص در رشته‌ی مربوطه به جامعه معرفی نموده‌اند.

بعضی‌ها فکر می‌کنند که لازمه‌ی نمایندگی داشتن رفتار مردمی است، با مردم نشستن و برخاستن و خون دل مشترک خوردن است. بعضی‌ها فکر می‌کنند لازمه‌ی نمایندگی داشتن تحصیلات عالی است و در این اعتقاد کوشیدند تا با افزایش سطح تحصیلات برای ثبت نام کاندیداهای نمایندگی، نوعی محدودیت و انحصار را در ارتباط با خانه‌ی ملت رقم بزنند. بعضی‌ها نیز می‌اندیشند که مجلس پایگاهی کارشناسی است و می‌بایست انباشته از متخصصان رشته‌های مختلف باشد و بعضی به مجلس با دید صنفی نگاه می‌کنند؛ مثلا صنف بزاز، خیاط، آهنگر، نقاش که همچون مجلس اول مشروطه می‌بایست سهم و جایگاه‌های خود را داشته باشند. بعضی‌ها می‌اندیشند که مجلس جای عابدان و زاهدان و ملاک پاک‌دامنی و پاک‌دینی است و

بالاخره ثبت نام کاندیداهای نمایندگی هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی آغاز شد و طبق روال گذشته جمع زیادی از کسانی که خود را در خور نمایندگی دانسته، نسبت به ثبت نام اقدام کرده‌اند. برخی نیز از این فرصت استفاده کرده و با ثبت نام سعی می‌کنند نام خود را برای انتخاب‌های دوره‌های بعد به اذهان مردم بسپارند. در این میان هستند کسانی که دارای فعالیتی مثلا در رشته پزشکی و یا حقوق و یا مهندسی و امثال اینها هستند و با شرکت در انتخابات سعی می‌کنند تا با تبلیغات گسترده، نام خود و موسسه‌ی مربوطه را بر زبان‌ها جاری سازند و این را نوعی تبلیغ می‌دانند حال اگر اقبال روی آورد و دری به تخته خورد و ماه و خورشید و فلک متحد شدند تا او را بر مسند

امید زیادی به موفقیت در انتخابات مجلس هشتم بسته‌اند و برای این ادعای خویش دلایلی چند را هم ذکر می‌کنند، پس ما به بررسی این دلایل پرداخته و نقدی مختصر بر عملکرد آنها در گذشته نیز خواهیم داشت.

ریشه‌های افکار اصلاح‌طلبی در ایران بعد از انقلاب اسلامی هم به مانند سالیان قبل از آن در بین گروه‌ها و افرادی چند وجود داشته است، گروه‌هایی مانند نهضت آزادی، سازمان مجاهدین، مجمع روحانیون مبارز و... اما این تمایلات تا قبل از سال ۱۳۷۶ هیچگاه به مثابه یک جریان در نیامد و خصوصاً بعد از دولت میرحسین موسوی محدود و محدودتر شد. اما در سال ۱۳۷۶ تمایلات اصلاح‌طلبانه به یک خواسته همگانی تبدیل شد و جریان قدرتمندی را ایجاد کرد که هنوز هم گروه‌های اصلاح‌طلب از محل آن جریان ارتزاق می‌کنند.

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶ نقطه عطف و آغاز جریان اصلاح‌طلبی در ایران پس از

انقلاب بود، در آن سال اغلب گروه‌ها و شخصیت‌های اصلاح‌طلب پشت سر فردی قرار گرفتند که خود نیز گمان نمی‌کردند بتوانند در مرحله اول انتخاب شوند. اما سید محمد خاتمی با کسب نزدیک به ۲۰ میلیون رای در دور اول، نه تنها ایرانیان که جهانیان را مات و مبهوت کرد و درست از همین جا سرگیجه‌ی اصلاح‌طلبان شروع شد. سرگیجه‌ای که عواملی چون بهت از این چنین پیروز شدن و به نوعی باور نداشتن این پیروزی و شاید آماده نبودن برای ادامه‌ی مسیر، آن را افزون می‌کرد. پس گروه‌های اصلاح‌طلب به جنگ و جدل با یکدیگر برخاسته و اغلب اوقات خود را در دعوا و درگیری به سر بردند در حالی که در همین زمان گروه‌های رقیب به نظاره نشسته بودند تا افول اصلاح‌طلبان را به چشم ببینند. چه، آنها خوب می‌دانستند که فواره چون بلند شود سرنگون گردد. باری، اصلاح‌طلبان در ادامه‌ی موجی که بر آن سوار بودند، توانستند مجلس ششم و شورای شهر اول را نیز تصاحب کنند. اما با این همه باز

هم از سردرگمی در نیامدند و تنها، کلاف خود را پیچیده‌تر از قبل یافتند. البته سنگ‌اندازی‌ها و حوادثی که سازماندهی می‌شد- استیضاح عبدالله نوری و عطاءالله مهاجرانی و...- نیز عاملی بود تا اصلاح‌طلبان نتوانند به خود بیایند و مجبور به ادامه‌ی بازی در حالتی باشند که نه تنها زمین بازی کج بود، بلکه خود آنها نیز برای بازی آماده نبودند. و این گونه بود که بعد از مدتی ابتدا شورای شهر، سپس مجلس و نهایتاً ریاست جمهوری را به رقیب واگذار کردند و دوباره حاشیه‌نشین قدرت شدند تا روزی که دوباره همان اقبال بر شانیه‌ی آنها بنشیند. اما آیا اصلاح‌طلبان به راستی از تجارب هشت سالی که در قدرت بوده‌اند درس گرفته‌اند و آیا این بار آماده‌ی بازی در میدانی به مراتب سخت‌تر از گذشته هستند؟

فعلاً بحث را در همین جا متوقف می‌کنیم و به بررسی نکته‌ای می‌پردازیم که من تاکنون ندیده‌ام در هیچ یک از تحلیل‌های اصلاح‌طلبان مطرح شود و آن هم احساسی رای دادن مردم است. به این معنی

نماینده‌ی را بر تن کند و بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان نماینده‌ی ملت ایران انجام وظیفه کند، این سرزمین ارزشمند را تا چه حد می‌شناسد و با جغرافیای طبیعی و سیاسی و اقتصادی کشور تا چه اندازه آشنایی دارد.

بسیارند کسانی که دوره نمایندگی آنان به پایان رسیده اما به بسیاری از نقاط مختلف کشور سفر نکرده‌اند. آنان نه در ردای نمایندگی ملت که در کالبد و جامه‌ی یک عضو شورای شهر مربوطه قابل ارزیابی‌اند. کسانی که می‌خواهند بر صندلی‌های مجلس اسلامی تکیه ززند می‌بایست با تفکرات و تعاملات دینی و اندیشه و فرق گونه‌های مختلف مذهبی کشور آشنایی داشته باشند. یک نماینده‌ی مجلس باید کمی از اقتصاد بدانند حال اگر اقتصاددان برای کمیسیون اقتصادی

مجلس لازم باشد کسانی که در سایر کمیسیون‌ها حضور دارند و در مجلس به پیشنهاد کارشناس اقتصادی رای مثبت و یا منفی می‌دهند می‌بایست حداقل با مبانی علم اقتصاد آشنا باشند، حداقل با تراز تجاری و مفاهیم تولید ناخالص داخلی و ملی آشنا بوده و علاوه بر آن دانستن مبانی علم سیاست برای کسانی که می‌خواهند بر کرسی نمایندگی تکیه ززند بسیار لازم است. تاریخ بیان می‌دارد نمایندگانی بوده‌اند که به علت بی‌اطلاعی در مقاطع خاص پیشنهادهای را رای داده‌اند که به زبان ملت تمام شده است. دانستن تاریخ و توجه به آداب و رسوم و فرهنگ ملی و آشنایی با آن لازمی فعالیت نمایندگی است.

مگر کسانی می‌توانند نماینده ملت باشند و تلفن همراهشان تنها به تلفن‌های شناخته و ثبت

نام شده پاسخ دهد و مسوولین دفاتر برخی از آنان که امکان داشتن دفتری را یافته‌اند به جمله‌ی آقا "جلسه دارند" عادت کرده باشند؟ وظیفه‌ی نمایندگی یعنی پذیرش بار سنگین مسوولیت، حفظ عزت‌ها و کرامت مردم و دفاع از حقوق آنان. بدهی است کسانی که با هزینه‌ی سنگین و با پرداخت پول به دلالتان سعی در تامین رای برای حضور در مجلس می‌نمایند، به مجلس به دید یک پایگاه درآمدی نگاه خواهند کرد؛ پایگاهی که می‌بایست هزینه‌ی انجام شده‌ی آنان به علاوه سود قابل انتظار را بازگرداند. نمایندگی مجلس امروز برای بعضی اشخاص نه به عنوان وظیفه و تکلیف بلکه به عنوان شغل درآمد است. بیایید وظایف نمایندگی را با توجه به قوانین و به ویژه قانون اساسی با هم مرور کنیم.

